irannewspaper.ir

• یکشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۲۲۱
• اذان ظهر ۱۲/۰۸ • اذان مغرب ۱۹/۴۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۶ • اذان صبح فردا ۳/۰۷ • طلوع آفتاب فردا ۴/۵۳

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
• مهدی مهرپور (اقتصادی)
• مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

• آزاده سهرابی (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
• لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
• زهرا کشوری (زیست‌بوم) • سعید زاهدیان (ورزشی)
• مهدی کلهرنژاد (اجرایی)
• حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

چندان که در آفـــاق نظر کردم و دیدم
از روی یقین در همه موجـــود، علی بود
این کفر نباشد، سخـــن کفر نه این است
تا هست علی باشد و تا بـــود علی بود

مولانا

سخن روز

امام علی (ع):
کامل‌ترین شما از نظر ایمان، نیکوترین شما از حیث اخلاق است.

بحار الانوار، جلد ۶۸

نگاره

گرمایش زمین

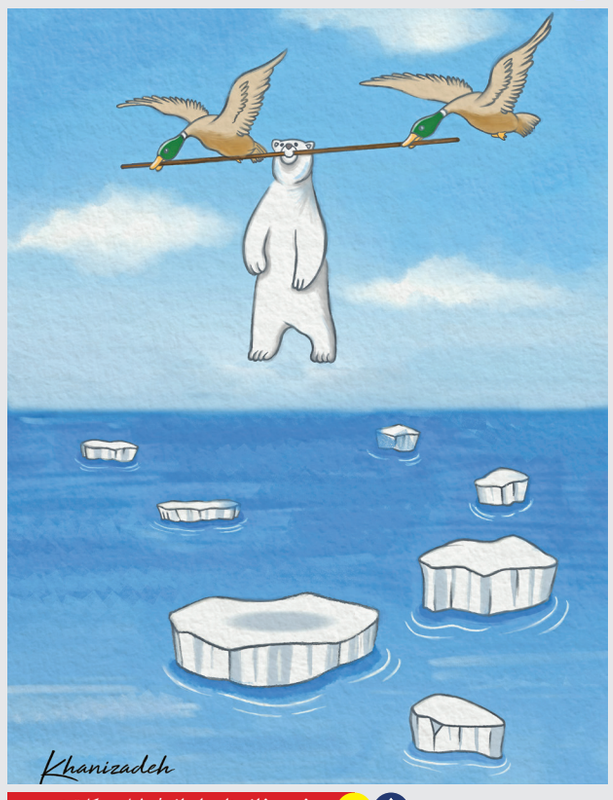

مرضیه خانی‌زاده ابیانه / طراح و کارتونیست

فضای مجازی

نوشته‌های محسن چاووشی و اسماعیل امینی در واکنش به سوزاندن قرآن کریم در سوئد، پست کاظم سیاحی درباره اینکه سینماهای کشور بزودی شاهد اکران فیلم «شهرک» خواهند بود و توصیه کامران شرفشاهی برای والدین علاقه‌مند به کتابخوان شدن فرزندان‌شان بخشی از مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

سوزاندن کلام خدا ترویج جاهلیت و نفرت است

اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه، تصاویری از چندین جلد قرآن منتشر کرده و در توضیح آن آورده: «این تصویرها را از چند قرآن که در کتابخانه‌ام دارم گرفته‌ام. به سفارش مادر هر قرآنی که به دستم می‌رسد یک بار از آغاز تا پایان آن را می‌خوانم و بعد در کتابخانه می‌گذارم. سوزاندن قرآن کریم و رسم کتاب‌سوزان، آزادی نیست بلکه ترویج جاهلیت و نفرت است.»

واکنش محسن چاووشی به سوزاندن قرآن

محسن چاووشی، خواننده موسیقی پاپ هم به ماجرای سوزاندن قرآن کریم در سوئد واکنش نشان داده و نوشته است: «تورات را تغییر دادند، انجیل را تغییر دادند، وقتی نتوانستند قرآن را تغییر دهند، آن را سوزاندند.»

خبر کاظم سیاحی برای آغاز اکران «شهرک»

کاظم سیاحی، بازیگر و کارگردان تئاتر، تصویری از پوستر فیلم سینمایی شهرک را منتشر کرده و خبر از آن داده که اکرانش بزودی آغاز می‌شود: «پوستر فیلم سینمایی «شهرک» به نویسندگی و کارگردانی علی حضرتی و تهیه‌کنندگی علی سرتیپی در حالی رونمایی می‌شود که این فیلم از ۱۴ تیر اکران خود را در سینماهای کشور آغاز خواهد کرد. طراحی این پوستر را محمد موحدنیا به عهده داشته است. شهرک، دومین فیلم سینمایی علی حضرتی در مقام کارگردان است که سال ۱۴۰۰ تولید شد و در چهلمین جشنواره فیلم فجر نیز توانست مورد توجه منتقدان و اهالی رسانه قرار گیرد. این فیلم داستان نوید فلاحتی، جوان علاقه‌مند به بازیگریست که در تست یک فیلم سینمایی بزرگ قبول می‌شود و برای پیوستن به این پروژه و رسیدن به آرزوی دیرینه خود یعنی بازیگر شدن، باید شرایط ویژه و تمرین‌های روحی و روانی گروه بازیگران در شهرکی ایزوله شده را بپذیرد...» بنابر نوشته سیاحی، ساعد سهیلی، کاظم سیاحی، مهتاب ثروتی، همایون ارشادی، رویا جاویدنیا، شاهرخ فروتنیان، مرتضی ضرابی و ساقی حاجی‌پور در این فیلم حضور دارند.

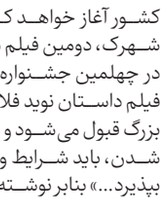

طرحی برای پرورش استعدادهای موسیقی

محمد معتمدی، خواننده موسیقی سنتی در تازه‌ترین پست خود در فضای مجازی نوشته: «حدود ۵ سال پیش طرحی را اجرا کردم به نام «هنر برای همه». دیدگاه این طرح، این بود که همه مردم حق دارند در رخدادهای فرهنگی، اجتماعی مثل کنسرت شرکت کنند و موسیقی و کنسرت نباید یک کالای لوکس و لاکچری و دور از دسترس برای اغلب شهروندان باشد. جامعه از یک سو نیازمند شور و نشاط اجتماعی و از سوی دیگر نیازمند فرهنگسازی و جریان‌سازی فرهنگی است.» وی ادامه داده است: «این روزها در مسابقه آوای جادویی، استعدادها و هنرمندان درخشانی کشف شده‌اند که هنر و توانایی آنها از سوی جامعه مورد تحسین فراوان قرار گرفته است. رها کردن این استعدادها به حال خود هدررفت سرمایه‌های فرهنگی کشور است. این جوانان برومند تصمیم دارند در قالب طرح «هنر برای همه» قطعات تازه‌ای تولید و منتشر کنند و سپس برای مردم کنسرت بگذارند تا به سهم خود در جهت‌دهی و جریان‌سازی فرهنگی و موسیقایی کشور نقش داشته باشند، لذا از هر نهادی که بتواند در این زمینه مساعدت کند و امکاناتی در اختیار بگذارد پیشاپیش سپاسگزاریم.»

توصیه‌ای برای والدین

کامران شرفشاهی، نویسنده و شاعر، تصویری از کودکی منتشر کرده که همراه مادر خود سوار قطار مترو است که هر دو کتاب می‌خوانند. او با تأکید بر اینکه کتابخوانی را باید از خانواده‌ها شروع کرد، نوشته است: «شخصی که این عکس را گرفت؛ از مادر بچه پرسید، چگونه فرزند خود را متقاعد کردید که به جای بازی با گوشی و تبلت، وقت خود را با کتاب بگذراند؟ مادر بچه پاسخ داد: بچه‌ها به ما گوش نمی‌دهند، آنها از ما تقلید می‌کنند.» نکته‌ای که شرفشاهی به نقل از این مادر نوشته، یکی از گفته‌های اغلب اهالی کتاب و کارشناسان فرهنگی است، اینکه اگر خواهان افزایش سرانه مطالعه هستیم و از طرفی به دنبال کتابخوان شدن فرزندان‌مان، باید کتابخوانی را از خودمان شروع کنیم.

نقل قول

هادی حجازی‌فر
بازیگر و کارگردان

دنبال جشنواره پرزرق و برق نبودیم

دبیر نوزدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران مبارک: درست است که امسال کارهای پرزرق و برقی مانند شادپیمایی نداریم که با وجود جذابیت‌هایی که دارد، خیلی هم هزینه‌بر است ولی ما ترجیح دادیم هزینه آن را در کمک‌هزینه‌ها، جوایز، پذیرایی خوب و... سرشکن کنیم. شاید کمی از زرق و برق جشنواره کم شده باشد، ولی بهتر دیدیم که عقب‌ماندگی چندساله را با یکسری اتفاقات تخصصی جبران کنیم. قطعاً بی‌اشتباه نیستیم ولی همه اینها با مشورت بوده است. در بخش بین‌الملل به خیلی از گروه‌ها هیچ پولی پرداخت نشده و به یکی دو گروه، کمک‌هزینه‌ای کمتر از کمک‌هزینه گروه‌های داخلی پرداخته‌ایم. دعوت از آنها با کمک اسپانسر انجام شده که بودجه‌ای از جشنواره گرفته نشود. همه اینها تصمیم‌هایی است که گرفته‌ایم تا جشنواره به شکل بهتری برگزار شود. قطعاً مشکلاتی وجود دارد ولی با مشورت گرفتن از دوستان عروسکی و بزرگترهای‌مان سعی کردیم ضریب خطاها را پایین بیاوریم.

| بخشی از صحبت‌های این بازیگر و کارگردان با ایسنا

یادداشت

جبار آذین
مدرس و منتقد سینما و تلویزیون

عدالتخواه و آرمانگرا

در سال‌های اخیر تولید هدفمند فیلم‌های سیاسی و انتقادی با رویکرد سازندگی در چهارچوب قانون و نظام و همسو با فرهنگ و آیین‌های اجتماعی و اعتقادی، موردتوجه برخی مسئولان حوزه‌های فرهنگ و هنر و سینما قرار گرفته تا روند ساخت آثار سیاسی و مردمی قانونمند در عرصه هنر و سینمای کشور که نیازمند تحولات اساسی است، نهادینه شود. استفاده از مضامین، موضوع‌ها و رخدادهای ملتهب اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، شاخصه اصلی محتوایی این نوع محصولات فرهنگی است. در میان سازمان‌ها و نهادهای هنری و فرهنگی، سازمان‌های هنری و رسانه‌ای اوج و مؤسسه سیمای مهر حوزه هنری، در تثبیت و تولید فیلم‌های مورد اشاره، پیشگام هستند. صرفنظر از اینکه، این آثار را سفارشی بدانیم یا نه، درکل حرکتی که توسط دو تشکل مذکور شکل گرفته، مهم و قابل تأمل است. فیلم «مصلحت» با نویسندگی و کارگردانی حسین دارابی و به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه، فیلمی محتوا محور و عدالتخواهانه است که سوژه و داستانی پرالتهاب را به تصویر کشیده و در قالب درامی افشاگرانه و منتقدانه، داستان خود را از میان وقایع و رویدادهایی که نمودهایی در جامعه دارند، عبور داده و به نمایش می‌گذارد. موضوع‌های مهمی مانند عدالت، وظیفه، تکلیف و مصلحت، مفاهیم بلند شخصی و گروهی و اجتماعی‌اند که از مناظر ایمانی و انسانی و الهی، تعاریف و ویژگی‌های خود را دارند. این مسائل، گوشت و پوست محتوایی فیلم خوش‌ساخت «مصلحت» را تشکیل داده‌اند. خطای مرگبار فرزند تندروی فردی که در قوه قضائیه به کار اشتغال دارد، به مرگ یک جوان چپ‌گرا منجر می‌شود. این حادثه تلخ، اوضاع روحی و روانی و زندگی جوان تندرو، پدر او، خانواده مقتول و جامعه را متأثر می‌کند. در این ورطه است که مسائل عدالت و وظیفه و تکلیف و «مصلحت»، خود را در داستان فیلم «مصلحت» نشان می‌دهند و در فرجام، همگی، به پای عدالت زانو می‌زنند. «مصلحت» محصول سال ۹۹ و اثری تماشایی با شخصیت‌پردازی‌های باورپذیر، روایت مطلوب داستان، بازی‌های مقبول، پژوهش مکفی، فیلمنامه و کارگردانی خوب است. نام اولیه فیلم «پدری» بود که به «مصلحت نظام» تغییر نام داد و در نهایت با عنوان «مصلحت»، راهی جشنواره و اکران شد. استقبال مردم و گروهی از منتقدان از «مصلحت»، نشان‌دهنده وجود امتیازهایی در مضمون و فرم و ساختار هنری این اثر سینمایی است. «مصلحت» سومین فیلم سیاسی و انتقادی باشگاه سوره، بعد از فیلم‌های «بیست و یک روز بعد» و «دیدن این فیلم جرم است»، و بهترین آنها از نظر مضمون و محتوا، ساختار و پردازش هنری است و در کارنامه هنری حسین دارابی، یک نقطه عطف تلقی می‌شود. گرچه در برخی بخش‌ها شعارها در چشم است اما این مهم، خارج از مدار محتوا، جان و بطن داستان و مؤلفه‌های شخصیتی کاراکترهای فیلم نیست و جای مناسب خود را در فیلم دارد. مصلحت، یادآور می‌شود که سینماگران متعهد کشور می‌توانند با احترام به فرهنگ و باورهای مردم و وفاداری به ارزش‌ها و آرمان‌های الهی و اسلامی و ایرانی و انسانی، آثار مناسب اجتماعی بسازند و مخاطبان سینما را با خود همراه کنند. امید که تولید فیلم‌های ارزشمندی مانند «مصلحت»، به دور از هرگونه مصلحت‌اندیشی و ملاحظه، بازی‌های سیاسی و جانبداری ناحق، در بزرگراه عدالت‌پروری در کشور تداوم داشته و فراگیر و ملی شود.

درنگ

سعید فلاح‌فر
پژوهشگر هنر

خطر خلاقیت

وارد کتابفروشی می‌شوید تا برای یکی از دوستان خود هدیه‌ای بخرید. از آنجا که این دوست به شعر و شاعری علاقه‌مند است، به سراغ قفسه کتاب‌های شعر می‌روید. احتمالاً صدها عنوان کتاب خواهید دید. کدام کتاب و عنوان را انتخاب می‌کنید؟ اگر اطلاعات و شناخت به روزی داشته باشید، یکی از کتاب‌های موفق جدید را از قفسه برمی‌دارید و اگر اطلاعات کمتری داشته باشید، اجباراً به یکی از عنوان‌های آشنا و مشهور و شناخته‌شده بسنده می‌کنید، که احتمالاً چند نسخه از آن در کتابخانه شخصی دوست‌تان پیدا می‌شود؛ دیوان حافظ، مثنوی معنوی و... یا کتابی از مهدی اخوان ثالث و نیما یوشیج. نمی‌دانم این دوست فرهیخته از دیدن این هدیه‌ها چه حالی می‌شود؟! اما قطعاً از صمیم قلب شگفت‌زده و متأثر نخواهد شد. البته این به معنی نفی ارزش این کتاب‌ها نیست اما نمی‌تواند خواسته‌های روز این دوست را برآورده کند.

هنر «عکاسی» بی‌شباهت به این انتخاب نیست. اگر تعارف را کنار بگذاریم، اکثریت مردم در مقابل یک اثر هنری یا ادبی، تمایلی به تفکرات سخت و عمیق ندارند. بنابراین آثاری که ساده‌تر و بدون نیاز به این قبیل زحمات عرضه می‌شوند، از استقبال بیشتری برخوردارند. این سادگی، یا ناشی از اساس و ماهیت اثر است یا به خاطر تکرار مراودات گذشته. به عبارتی شاید «سلیقه» به همین معنا باشد. یعنی سلیقه را همان درک تکراری از زیبایی شناختی یا ارتباط تکراری مخاطب با اثر بدانیم. سلیقه یعنی لذت از چیزی که پیشتر هم مایه لذت بوده است.

عکس‌هایی هستند که بنا به مناسباتی مورد توجه قرار گرفته‌اند یا مورد تأیید اهل فن و منتقدان بوده‌اند. تکرار این الگوها می‌تواند -بدون هیچ خللی در سلیقه- نظر تعداد زیادی از مخاطبان را -دوباره- جلب کند، مگر اندکی که از این تجربه عبور کرده باشند. ذهن مخاطبی که آشنایی کمی با رویدادهای روز داشته باشد، به همان تأییدات پیشین ارجاع می‌شود و در نتیجه، اثر مطابق سلیقه و مورد قبول واقع می‌شود. اما در ذهن مخاطب حرفه‌ای، مطالبه‌گر و آشنا به هنر، در مواجهه با تکرار، چنین فرایند پذیرنده‌ای شکل نمی‌گیرد. تکرار و بازسازی عکس‌های خوب گذشته یا توجه به موضوعات و مضامینی که قبلاً مورد آزمایش گرفته‌اند، می‌تواند منجر به پذیرش تعداد زیادی از مخاطب‌ها شود اما این پذیرش به معنی تأیید حرفه‌ای اثر هنری نیست. آثار هنری زائیده خلاقیت و نگاه‌های تازه‌ای هستند که از قضا، عموم مخاطب‌ها توان یا حوصله درک آن را ندارند و ممکن است به سختی با سلیقه ایشان خوشایند باشد. این قبیل رفتارها را می‌توان در بسیاری از داوری‌ها و قضاوت‌ها یا حتی پسندهای فضای مجازی و نمایشگاه‌ها دید.

برداشت‌های کلیشه‌ای از آثار موفق می‌تواند با اقبال عمومی مواجه شود اما برخورد هنری و عکاسانه با عکس همیشه دشوار، دور از دست و پرخطر خواهد بود. این انتخابی است که سرانجام عکاسان هنری و تکنیسین‌های عکاسی و البته آثار عوام‌پسند و آثار هنرمندانه را روشن می‌کند.

پیشنهاد

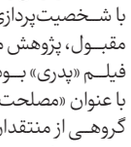

دژاکام
روزنامه‌نگار

یک مستند خوب و تماشایی

مستند «وداع با اسلحه» را دیدم. اولین نکته، عنوان بسیار جذاب و منطبق با موضوع مستند است که از یکی از آثار ارنست همینگوی گرفته شده که داستان آن هم درباره کنار گذاشته شدن سلاح توسط یک ارتشی دل از دست داده است. شاید بتوان گفت این عنوان، یکی از بهترین عناوینی است که می‌توان درباره شخصیتی چون یاسر عرفات به کار برد.

شروع مستند هم بسیار خوب و تأثیرگذار است؛ شروعی که یک بار دیگر در پایان هم تکرار شده و جذابیتش را مضاعف کرده است. این شروع به قول ما روزنامه‌نگاران قفل خوبی برای کشاندن و مشتاق کردن مخاطب برای دیدن بقیه کار است که در این زمینه موفق عمل کرده است. اما به نظر من جذاب‌ترین بخش مستند مربوط می‌شود به همپوشانی و همراهی بسیار دقیق نریشن و گفتار فیلم با خود تصاویر ارائه شده که واقعاً باید به کارگردان این اثر دست مریزاد گفت. به‌عنوان مثال آنجا که در آغاز مستند می‌گوید ارتش اسرائیل قصد فتح تمام خاورمیانه را دارد و پرواز جنگنده‌ها را از یک مسیر و پخش شدنشان را در مسیرهای مختلف نشان می‌دهد یا آنجا که می‌گوید خاورمیانه به انبار باروت تبدیل شده است و در یک اجلاس سیاستمداران به سران رژیم صهیونیستی که سیگار خود را بر دهان گذاشته، فندک روشن‌شان را جلو می‌برند و این میکس خوب متن و تصاویر در جای‌جای مستند ادامه می‌یابد و مخاطب را در لذت دیدن یک کار خوب غرق می‌کند. «وداع با اسلحه» در بسیاری جاها بین روایت سرگذشت فلسطین و عرفات متحیر است؛ هرچند واقعاً تفکیک این دو بسیار سخت است اما گاهی با نشان دادن بموقع و دقیق پیشروی صهیونیست‌ها در اشغال خاک فلسطین و نقشه‌های پی در پی و نیز حضور شخصیت‌هایی چون جمال عبدالناصر و... به روایت فلسطین نزدیک می‌شود و در اکثر مواقع هم به رشد و محبوبیت افزاینده عرفات، گویی فیلم فقط سرگذشت ابوعمار را روایت می‌کند و بس. اشکال کار در این حالت این است که ما برخی مقاطع حساس از زندگی رئیس جنبش فتح را نداریم و گاهی برخی حوادث مهم در تاریخ فلسطین را. اشکال دیگری که شاید از همین موضوع ناشی شود هم در زندگی عرفات و حیات سیاسی جنبش فتح و هم در زندگی مثلاً عبدالناصر گفتنی‌های ضروری فراوانی وجود داشته که برای شناخت دقیق‌تر و بهتر شخصیت آنها لازم بوده و در فیلم نیامده، از قصورها و تقصیرها گرفته تا سازشکاری‌های متعدد. جالب اینجاست که با اینکه عنوان فیلم بسیار خوب و منطبق «وداع با اسلحه» انتخاب شده اما این وداع و در حقیقت این سازشکاری در زندگی سیاسی عرفات در فیلم خیلی پررنگ نیست تا جایی که وقتی مستند تمام می‌شود ما با یک یاسر عرفات قهرمان مواجه هستیم. یکی دیگر از کاستی‌های این مستند، نسبت فلسطین و عرفات با انقلاب اسلامی ایران است که بجز یکی دو تصویر محو از دکتر ابراهیم یزدی و حضور عرفات در ایران بدون هرگونه توضیح کامل و دقیقی، چیزی ندارد و مخاطب بخصوص ایرانی را در این سردرگمی نگه می‌دارد که انقلاب اسلامی چه تأثیری در انقلاب فلسطین داشته است! با همه اینها، مستند وداع با اسلحه کاری خوب و ارزشمند است و معلوم است که سازندگان آن برای پیدا کردن تصاویر و فیلم‌های دیده‌نشده و تاریخی آن زحمت زیادی کشیده‌اند و مخاطبان بخصوص نسل جوان را تا حد بسیار زیادی با تاریخ فلسطین و شخصیت یاسر عرفات آشنا می‌کند. به امیرحسین کاربخش کارگردان و علیرضا منتظری تهیه‌کننده و عزیزان در سفیرفیلم بابت این اثر، خدا قوت می‌گوییم. به مخاطبان خوب این صفحه هم توصیه می‌کنم اگر به مسائل سیاسی بین‌المللی و نهضت فلسطین و تاریخ علاقه‌مند هستند، تماشای این مستند را از دست ندهند.

کلاکت

محمداحسان مفیدی کیا
منتقدسینما

مستند یک ابزار جنگی است

ساختاری که یوزف گوبلز برای ماشین تبلیغاتی آلمان نازی بنا کرد، اولین قدم در ساخت مستندهای تبلیغاتی جنگی بود. او در جایگاه مغز متفکر رسانه هیتلر، پیش از آنکه سربازها به میدان بروند، تصویربردارها را به خطوط نبرد می‌فرستاد تا برای «اخبار هفتگی آلمان» خوراک تهیه کنند. گاهی هم از همین مواد خام، توسط یک تدوینگر مستعدتر فیلم‌های مستند تهیه می‌شد که فارغ از قالب منسجم‌ترش باز همان کارکرد فیلم‌های خبری را داشت؛ ابزاری برای توجیه آنچه در آن مقطع توسط ماشین جنگی آلمان‌ها در حال رخ دادن بود. یک نمونه از فیلم‌های برآمده از همین راش‌ها «تطهیر با آتش» ساخته هانس برترام بود؛ مستندی در توجیه حمله هوایی به لهستان که به نوعی تهدید انگلستان هم محسوب می‌شد.

در دم و دستگاه گوبلز مستندسازهای جوان کم نبودند اما فقط تعداد انگشت‌شماری از آنها مثل فریتس هیپلر پله‌های ترقی و تقرب را خیلی زود طی می‌کرد و پروژه‌های خاص را سفارش می‌گرفت. شاید او در آن زمان فکر می‌کرد با ساختن مستند «یهودی ابدی» به گوبلز و هیتلر خوش‌خدمتی می‌کند و همین آینده شغلی‌اش را تا مدت‌ها تضمین خواهد کرد اما، همین مستند برای او یک ننگ ابدی را باعث شد تا هروقت کسی بخواهد یک مصداق بارز در تولید مستند نژادپرستانه و تحریک‌آمیز را معرفی کند، ساخته هیپلر در نظرش آید؛ فیلمی شنیع و توهین‌آمیز که از هر تکنیک و تحریفی که می‌توانست، برای تحریک عواطف عمومی برضد جامعه یهودیان آن روز آلمان دریغ نکرده بود. او در این مستند کوشیده بود تا با الگوبرداری از بزرگانی چون گریرسون و اسفیرشوب یک نظریه سیاسی-اجتماعی را مستند کند، ولو اینکه در آن برش‌هایی از فیلم‌های داستانی هم استفاده شود.

آلمانی‌ها حتی کمی بعد مایه‌هایی از طنز و هجو را چاشنی مستندهای‌شان کردند؛ مثلاً در فیلم «آقایان نجباء» به رفتار انگلستان با مستعمراتش طعنه زده می‌شد یا در «اطراف مجسمه آزادی» با نماد گرفتن مجسمه‌ای که پشتش به امریکاست، هجو هیأت حاکمه ایالات متحده رخ می‌داد.

در طرف دیگر جبهه نیز انگلستان، واحد فیلمسازی اداره پست را که ماحصل تلاش گریرسون بود، به واحد فیلم جنگ تبدیل کرد و شاگردان او که حالا خود استاد شده بودند، مستندهای درخور توجهی ساختند. یک نمونه بسیار خوب از این افراد، همفری جنینگز است که با ساختن فیلم‌هایی مثل «به بریتانیا گوش دهید»، «آتش‌سوزی‌ها شروع شدند» و... برای خودش اسم و رسمی به پا کرد. ویژگی خاص جنینگز این بود که او برخلاف آلمانی‌ها در پی برانگیختن روحیه نفرت از دشمن نبود، او بیشتر بر ویژگی‌های انسانی تمرکز داشت. با ظهور دیگرانی مثل کاوالانتی، یک نهضت مستند نیز آغاز شد که طی آن حتی پارتیزان‌هایی برای اکران آن مستندها از جان مایه می‌گذاشتند. در روسیه نیز گریگوریف پا جای ورتوف گذاشته بود و در همان استودیوهای اوکراینی با همان سبک و سیاق ورتوف، از بین ساعت‌ها راش، فیلم‌های خبری تدوین می‌کرد، همین تلاش‌ها باعث رونق دوباره سینمای مستند روسیه شد که مدت‌ها در رکود بود.

دوباره پای مردم به سینماها برای دیدن فیلم مستند باز شده بود و این بار برخی به امید دیدن تصویری از عزیزانشان که در خطوط مقدم نبرد بودند، به سالن‌های اکران می‌رفتند؛ در تاشکند زنی سوم ماه مه هر سال دسته‌گلی به پرده نقره‌ای سینما اهدا می‌کرد، جایی که توانسته بود برای آخرین بار چهره پسرش را ببیند

> دوباره پای مردم به سینماها برای دیدن فیلم مستند باز شده بود و این بار برخی به امید دیدن تصویری از عزیزانشان که در خطوط مقدم نبرد بودند، به سالن‌های اکران می‌رفتند؛ در تاشکند زنی سوم ماه مه هر سال دسته‌گلی به پرده نقره‌ای سینما اهدا می‌کرد، جایی که توانسته بود برای آخرین بار چهره پسرش را ببیند

عکس‌نوشت

بادهای ۱۲۰روزه در سیستان و طولانی شدن خشکسالی تالاب بین‌المللی هامون در شمال سیستان وبلوچستان خروارها خاک را به سوی منازل مسکونی روانه و زیست مردم را سخت کرده است. در گذشته با آغاز گرما تالاب هامون سبب تعدیل هوا می‌شد و مردم از آن به‌عنوان یک نعمت یاد می‌کردند اما با طولانی شدن خشکسالی، این تالاب بستری برای هجوم شن‌های روان به روستاها و شهرهای منطقه شده است. | ایرنا